

فصلنامه راهبرد سیاسی

سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۹

صفحات: ۱۵۵-۱۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نظریه اسلامی روابط بین‌الملل: گذار از نظریه‌های غربی

مجید عباسی* / معصومه جمالی**

چکیده

انقلاب اسلامی ایران تحولی جدی در روابط بین‌الملل پدید آورد. با این تحول، نظریه‌های رایج در روابط بین‌الملل از تحلیل سیاست خارجی ایران عاجز ماندند. زیرا با پیروزی انقلاب اسلامی عنصر جدیدی به نام مذهب وارد عرصه سیاست خارجی شد. عاملی که هیچکدام از نظریه‌های مذکور قادر به تحلیل نقش آن نبودند. برای رفع این نقیصه از مناظره چهارم روابط بین‌الملل نظریه سازه‌انگاری متولد شد. ولیکن از آنجا که دارای مبانی غربی است قادر به تحلیل سیاست خارجی ایران در همه عرصه‌های روابط بین‌الملل نیست. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی اسلامی، انتقادی و تجدید نظرطلب نیازمند ارائه نظریه‌ای بومی و اسلامی است. در این راستا، نظریه اسلامی روابط بین‌الملل بهترین درجه برای تحلیل و تبیین سیاست خارجی ایران در راستای امت محوری و استقرار نظم جهانی عادلانه می‌باشد. این پژوهش با شناسایی اصول ۱۴ گانه نظریه اسلامی روابط بین‌الملل در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه کاربست نظریه اسلامی روابط بین‌الملل برای تحلیل و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر است؟

کلید واژه‌ها

سیاست خارجی، نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، اصل عدالت، منافع ملی.

* دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

jamali.masoomeh@yahoo.com

مقدمه

سیاست خارجی مهم ترین وجه زندگی اجتماعی - سیاسی ملت‌ها و کشورها به شمار می رود، چون بقاء و حیات آنها به سیاست خارجی بستگی دارد. از این رو، تلاش برای درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی کشورها یکی از دل مشغولیهای فکری و ذهنی محافل علمی و دانشگاهی است. در سه دهه گذشته، ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه تحلیل و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خلق شده است. هر یک از تحلیل گران و اندیشمندان براساس ایستارها، ارزش‌ها، برداشت‌ها و چارچوبهای مفهومی خاصی به بحث و بررسی ایران پس از انقلاب اسلامی مبادرت ورزیده اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱-۲). نظریه‌های مختلفی برای تبیین ماهیت، فرآیند و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به کار بسته شده است. به گونه ای که براساس مفاهیم تحلیلی منتج از آنها تلاش شده است تا چرایی و چگونگی سیاست خارجی ایران تجزیه و تحلیل شود. ادبیات موجود نشان دهنده این واقعیت است که هیچ یک از نظریه های متعارف موجود در دو حوزه روابط بین الملل و تحلیل سیاست خارجی، قادر به تبیین چرایی و چگونگی رفتار و فرآیند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیستند. این ناتوانی تبیینی ناشی از ماهیت زمینه پرورده نظریه های سیاست خارجی و ماهیت و هویت اسلامی جمهوری اسلامی ایران می باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۸). در این راستا پژوهش حاضر به طور ویژه و به صورتی روشمند و علمی سعی در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مفاهیم و مفروضه‌های نظریه اسلامی روابط بین الملل دارد.

در این پژوهش با دو مفهوم اساسی مواجه می باشیم که به نظر می رسد پیش از ورود به بحث نیازمند بازشناسی^۱ و تعریف این مفاهیم بوده به گونه ای که در این راستا شناخت دقیقی از عنوان مورد بررسی بدست خواهد آمد، این دو مفهوم پایه عبارتند از: نظریه روابط بین الملل^۲ و نظریه اسلامی روابط بین الملل^۳.

مفهوم نخست نظریه روابط بین الملل می باشد، به طور کلی نظریه روابط بین الملل در دو معنای موسع و مضیق قابل بررسی است. در معنای موسع، به معنای یک ایده و اندیشه نظام

1. Recognition

2

. Theory of International Relations

3

. Islamic Theory of International Relations

مند و سازمان یافته در مورد روابط بین‌الملل است و در معنای محدود، نظریه روابط بین‌الملل مجموعه منظمی از دانش و معرفت می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۰). عده‌ای معتقدند که نظریه روابط بین‌الملل عبارت است از مطالعه سیستماتیک پدیده‌های قابل مشاهده که سعی دارد از طریق کشف متغیرهای عمده، به توضیح و تشریح رفتارهای گوناگون بپردازد و مختصات انواع روابط میان واحدهای ملی را بیان کند. برخی بر آن اند که نظریه چهارچوبی از کلیت بخشی تجربی است که از لحاظ درونی در سازواری بوده و از قدرت توصیفی، توضیحی و پیشگویانه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که این کلیت بخشی باید به بهترین وجه به صورت فرضیات و قضایای قابل آزمون مطرح و تأیید یا ابطال آنها به اشکال کمی به نمایش گذارده شود. والتز معتقد است که نظریه‌ها قوانینی را که مشخص کننده ارتباطات احتمالی میان پدیده‌هاست، توضیح می‌دهند. از دیدگاه نظریه‌های هنجاری نظریه عبارت است از نگاه به جهان آن طور که باید باشد. همچنین گاه نظریه‌های روابط بین‌الملل به صورت نقد ایدئولوژیک حال برای ارائه بدیلی در آینده تعبیر می‌شوند و بالأخره گروهی نظریه را عبارت از انعکاسی از فرایند تئوریزه کردن مسائلی چون معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی تصور می‌کنند (قوام، ۱۳۸۹: ۴-۳). به طور کلی نظریه روابط بین‌الملل، مجموعه‌ای از گزاره‌ها، مفروضه‌ها و مفاهیم مرتبط به هم که به صورت سازمان یافته عمل نموده و در نهایت قادر به تبیین و تحلیل پدیده‌های قابل مشاهده و یا پدیده‌های که امکان رخداد آنها پیش‌بینی می‌گردد، می‌باشد.

مفهوم محوری دیگری که در این پژوهش بسیار مهم می‌باشد، نظریه اسلامی روابط بین‌الملل است. در این پژوهش به دنبال تحلیل سیاست خارجی ایران از دریچه این نظریه می‌باشیم. نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قضایای همساز و مرتبط استخراجی و اکتشافی از کتاب و سنت بوده و به روش نقلی که ایده و دیدگاه نظام مند و دقیق اسلام را در مورد روابط بین‌الملل بیان می‌کند و با توجه به نفس الامر دین اعتبار می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۲) مورد تأکید و بررسی است. به طور کلی می‌توان گفت نظریه اسلامی روابط بین‌الملل مجموعه‌ای از مفاهیم و مفروضه‌های اسلامی مرتبط به هم است که به صورت نظام مند قادر به ارائه و تبیین الگوی رفتاری بازیگران دینی روابط بین‌الملل می‌باشد.

این پژوهش شامل دو بخش اصلی است، که در بخش نخست با عنوان مفروضه‌ها و مفاهیم نظریه اسلامی روابط بین‌الملل؛ به بررسی چهارده مفروضه اصلی این نظریه پرداخته و در بخش

دوم نیز در قالب مفروض های بیان شده در بخش نخست به ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبادرت شده است؛ جوهره اصلی این پژوهش نیز تحلیل سیاست خارجی ایران در قالب مفاهیم و مفروضه های نظریه اسلامی روابط بین الملل می باشد.

۱. مفروضه ها و مفاهیم نظریه اسلامی روابط بین الملل

هر یک از نظریات روابط بین الملل با توجه به اصول، مفاهیم و پیش فرض های حاکم بر آنها دارای برداشت های متفاوتی از نحوه ی عملکرد بازیگران بین المللی بوده به گونه ای که در تحلیل روند سیاست خارجی کشورها با توجه به مفاهیم مورد استعمال در هر یک از نظریات، با تبیین های بعضاً متفاوتی از رفتار خارجی دولت ها روبرو می شویم. در این راستا نظریه اسلامی روابط بین الملل نیز فارغ از این موضوع نبوده به گونه ای که با توجه به اصول و پیش فرض های حاکم در این نظریه، به عنوان یک نظریه بومی - اسلامی از روابط بین الملل مفاهیم چهارده گانه ای را می توان استخراج کرد که با توجه به آنها زمینه تحلیل و تبیین بیشتر موضوعات بین المللی فراهم خواهد شد.

۱-۱- اصلت واقع^۱: اولین مفهوم پایه در نظریه اسلامی روابط بین الملل، اصلت واقع است که براساس این اصل تأکید بسیاری بر اهداف و منافع از یک سو و شیوه ها، ابزارها و روش ها از سوی دیگر در سیاست خارجی می گردد. در راستای این اصل اخلاق گرایی و قانون گذاری در راستای قدرت ملی و منافع ملی پیگیری می شود (دهشیری، ۱۳۷۸: ۳۳۶). براساس اصل اصلت واقع، سیاست خارجی در درون نظام بین الملل براساس منافع ملی و خواسته های ساختار داخلی نظام شکل می گیرد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۳۵).

۱-۲- جوهرگرایی^۲: مفهوم بعدی جوهرگرایی بوده که در این راستا با ملاحظه آثار فیلسوفان بزرگ میتوان دریافت که "جوهر" همواره مورد اهتمام متفکرین و اندیشمندان بوده است. این واژه در فلسفه های متعدد به معانی متعدد بکار رفته است. به عنوان مثال در فلسفه ارسطو این واژه بر مواردی چون شیء، موضوع، صورت و غیره و در حکمت اسلامی بر مواردی چون عقل، نفس، ماده، صورت و جسم اعمال شده است (ماحوزی، ۱۳۹۱: ۲).

1. The originality of fact

2. Essentialism

«جوهر در حقیقی ترین، نخستین و دقیق ترین معنا آن است که نه به موضوعی گفته می شود و نه در موضوعی هست» و همچنین «باز هم جوهرهای نخستین، از آنروی که موضوع همه چیزهای دیگر واقع می شوند، به واقعی ترین نحوی جوهرها نامیده می شوند» (همان: ۳). یکی از دال های مرکزی پست مدرنیسم که دال های شناور به میزان نزدیکی به آن معنی یافته و در صورت مفصل بندی با چنین دال های مرکزی سامان می یابند، مبنا گریزی و جوهر ستیزی است. ره آورد چنین باوری آشفتگی، بی نظمی و نهایتاً آشفتگی سوژه پست مدرن است. اما آموزه های اسلامی بر وجود نظم، و جوهر و مرکزیت در عالم وجود تأکید می کند و انسان برساخته خود را به چنین وادایی رهنمون می سازد. از منظر قرآن تمامی انسان ها براساس فطرت الهی خلق گردیده اند که بر این اساس می توانند به آیین درست دست یابند و البته هیچ تبدیل و دگرگونی در این خلقت الهی راه ندارد (طاهری سرتشنیزی، عزیز خانی، ۱۳۹۰: ۵۱). پس با توجه به مفهوم جوهر در فرهنگ اسلامی، شاهد کاربرد وسیع این اصل بوده و آن را مبنای بسیاری از اقدامات برمی شمردند؛ به گونه ای که فرهنگ مدرن و بعد از آن پست مدرن به سمت واگرایی و ستیزی با آن حرکت نموده است.

۳-۱-۱ اصل علیت^۱: یکی از مهم ترین دل مشغولی های انسان نخستین، مسأله علیت بوده و به جرأت می توان از آن به عنوان مبدأ و سرآغاز اندیشه بشری نام برد (مغربی، بی تا: ۷۸). علیت و ابعاد گوناگون آن در فلسفه اسلامی و غرب یکی از مسائل اساسی است. در غرب جدید نگرش تجربه گرایانه فیلسوفانی چون لاک، بارکلی و هیوم توانست اصل علیت را دچار مشکلات اساسی نماید که این امر به مبانی معرفت شناختی آنها در نگرش به واقعیت های خارجی و ذهنی، یعنی اساس تجربی شناخت ارتباط داشت. از این رو این فلاسفه؛ اصول علیت، بالاخص ضرورت علی را منکر شدند که نتیجه آن در تداوم تفکر غربی، و بالاخص پوزیتیویسم، فلسفه تحلیلی و فیزیک جدید گسترش و عمومیت یافت و پیامد های ناگواری را در پی داشت. در تفکر فلسفی اسلامی، بالاخص حکمت متعالیه، علیت یک اصل فلسفی و عقلانی است که فهم دقیق و عمیق آن تنها از عهده عقل فلسفی بر می آید. و لذا بروز و ظهور آن نیز عمیق تر از تجربه، و در جهان عقلانی است. از این رو تفسیر علیت در این دیدگاه برخلاف تجربه گرایی غربی از سطح مشاهده تجربی و استقرا فراتر می رود و به یک اصل فلسفی تبدیل می گردد که در آن علت، هستی بخش و

¹. Principle of causality

واقعیت دهنده حقیقی وجود معلول است و معلول هیچ هستی و هویتی برای خودش، سوای علت ندارد. ضمن اینکه در این دیدگاه رابطه علت در وجود علت و معلول است نه در ماهیت آنها یا ظهورات خارجی شان. لذا می توان گفت نسبت معلول به علت نوعی نسبت فقر و امکان وجودی است. با این ملاحظات می توان تفسیر تجربه گرایانه فیلسوفان غرب را مورد نقد قرار داد و نشان داد که برخلاف تصور آنها علت، صرف هم پهلویی، تقدم زمانی و دیگر روابط ظاهری میان علت و معلول خارجی نیست بلکه بسیار عمیق تر از آن است و لذا با نگاه تجربی نمی توان تبیینی عقلانی و کلی از این اصل ارائه داد (قربانی، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

۴-۱-۱ اصل توحید^۱: اسلام که خاتم ادیان الهی و جامع نظام های فردی و اجتماعی است، دینی است جهانشمول که برای همه انسان ها از سوی خداوند متعال نازل شده و اهدافی مانند گسترش توحید، گسترش عدالت فردی و اجتماعی را دنبال می کند (تسخیری، ۱۳۸۴: ۱۴). دیدگاه جهانی توحید برای زندگی معنا، روح و هدف تعیین می کند و فرد را در عمل به اصول اخلاقی متعهد می کند. به طور خلاصه، اصل جاودانه توحید است که پارادایم جامعه اسلامی را تنظیم می کند و به شکل کلی یا جزئی تابع هیچ پارادایم دیگری نمی شود (مولانا، ۱۳۸۶: ۲۰۳). توحید عقیده عمده اسلام و شعار مشخص کننده آن است. توحید اساس همه ادیان و قدر مشترک همه آنهاست و در نظر قرآن مجید غرض اصلی وحی آسمانی و بعثت انبیاء است، الا اینکه توحید در سایه دعوت محمدی مفهوم جدید یافته و به صورت نوآیین و جدیدی درآمد است. دیدگاه توحیدی اسلام سرچشمه سایر عقاید و نیز منبع قوانین شریعت و شعایر اسلامی است. اندیشه اسلامی در موضوعات خدا، هستی و انسان همه رنگ توحید دارد و نظریات ویژه اسلامی در وحدت ادیان و عوالم و نوع بشر همه از وحدت خالق جریان می یابد (امین، ۱۳۸۹: ۴۲-۴۱).

۵-۱-۱ اصل عدالت^۲: یکی از مفاهیم کانونی نظریه اسلامی روابط بین الملل عدالت است. عدالت واژه ای است که مفهوم آن در مقابل دو واژه فسق و جور قرار می گیرد. گرچه فسق نیز خود نوعی جور به نفس است، اما عدالت در مقابل مفهوم فسق را عدالت وصفی و عدالت در مقابل مفهوم جور را عدالت عملی دانسته اند (گرچی، ۱۳۷۷: ۵۲۱-۵۱۹ به نقل از ابن تراب، ۱۳۸۵: ۲). بر اساس اصل عدالت است که نظم جهانی عادلانه موضوع اصلی نظریه اسلامی روابط بین

1. Principle of Monotheism

2. Principle of Justice

الملل شده و در هسته آن جای دارد و مفهوم و الگویی از نظم جهانی ارائه می دهد؛ نظمی که در سطح ساختاری چگونگی آرایش و چینش کنشگران و الگوی رفتاری آنها، و در سطح کارکردی شرایط لازم برای همزیستی مسالمت آمیز و سپس زندگی سعادت مند و حیات طیبه انسان ها و جوامع انسانی را تأمین و تبیین می کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۱). در راستای اصل عدالت در اسلام، مهم ترین الگوی رفتاری، استکبار ستیزی از طریق مقابله یا مقاومت در برابر قدرت های سلطه گر می باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۹). اسلام در زمان حاضر نقش مهمی در تعاملات نظام بین الملل پیدا کرده است. از این رو تأکید زیادی در راستای گسترش عدالت بین المللی و نظم بین المللی عادلانه داشته است. در این راستا جهان معاصر در نیمه دوم قرن بیستم، به ویژه پس از پایان جنگ سرد، دستخوش تحولات اجتماعی و فلسفی ای شده که باعث تغییراتی عمده هم در بعد عملی و هم در بعد فلسفی و نظری در روابط بین الملل شده است. از جمله ی این تحولات وقوع انقلاب اسلامی ایران است (نوروزی فیروز، ۱۳۹۰: ۲)، که توجه ویژه ای به عدالت داشته و در راه برقراری نظمی عادلانه حرکت نموده است.

یکی از مبانی اسلام، ضرورت اصل همزیستی مسالمت آمیز جوامع انسانی است که این امر شامل کل جوامع انسانی و تمامی اقلیت ها و مذاهب دینی و فرهنگی است (علیخانی، ۱۳۹۰: ۲۱)، که نیازی اساسی به اصل عدالت دارد، در واقع با وجود نظم بین المللی عادلانه به نظر می رسد شاهد همزیستی مسالمت آمیز خواهیم بود. به گونه ای که اسلام تعامل با غیر مسلمانان را براساس نیکی و عدالت بنا نهاده است، در این راستا قرآن راه کارهای متفاوتی را برای تأمین همزیستی مسالمت آمیز و برقراری عدالت بیان نموده است که عبارتند از: نفی نژاد پرستی، به رسمیت شناختن آزادی عقیده و فکر، گفتگوی مسالمت آمیز، شناسایی رسمی ادیان الهی، فرمان صلح بین الملل، همکاری همه جانبه در زمینه رشد جامعه و غیره (امینی، ۱۳۹۰: ۴۱-۳۷).

۱-۶- اصالت فرد و جامعه: براساس آیه ۹۳ سوره اعراف، علل تغییرات و تحولات اجتماعی در خود انسان هاست؛ عامل محرک و رهبر تاریخ نیز خود انسان ها هستند؛ جامعه نیز از جهات بسیار شبیه فرد است (اژه ای، ۱۳۸۵: ۱۸). از این رو فرد و جامعه دارای اصالت ماهوی بوده به گونه ای که به شکلی نظام مند در پیشبرد سیر تعالی خود تأثیرگذار هستند. شهید مطهری در مورد رابطه بین فرد و جامعه و طرز تلقی اصالت هر یک از این دو از چهار فرض نام می برد:

۱. ترکیب جامعه از افراد ترکیبی اعتباری است، پس جامعه وجود اصیل، عینی و حقیقی ندارد، وجودی اعتباری و انتزاعی دارد، آنچه وجود حقیقی و عینی و اصیل دارد فرد است و بس، پس در عین اینکه زندگی انسانی در جامعه شکل و ماهیت اجتماعی دارد، افراد اجتماع به صورت یک مرکب حقیقی به نام جامعه در نمی آیند.

۲. جامعه مرکب حقیقی، همانند مرکبات طبیعی نیست، اما مرکب صناعی است و مرکب صناعی خود نوعی مرکب حقیقی است هر چند مرکب طبیعی نیست، مرکب صناعی مانند ماشین که یک دستگاه مرتبط الاجزاء است. در مرکب طبیعی، هم اجزاء هویت خود را از دست می دهند و در کل حل می گردند، و هم بالتبع و بالجبر استقلال اثر خود را از دست می دهند، اجزاء به گونه ای خاص با یکدیگر مربوط می شوند و آثارشان نیز با یکدیگر پیوستگی پیدا می کند و در نتیجه آثاری بروز می کند که عین مجموع اثر اجزاء در حال استقلال نیست. محو هویت اجزاء در هویت کل در کار نیست بلکه کل وجودی مستقل از اجزاء ندارد، کل عبارت است از مجموع اجزاء به علاوه ارتباط مخصوص میان آنها. جامعه نیز چنین است، جامعه از تأسیسات اصلی و فرعی تشکیل شده است، این نهادها و افرادی که این نهادها به آنها وابسته است همه به یکدیگر وابسته و پیوسته اند. تغییر در نهادی اعم از نهاد فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، تربیتی موجب تغییراتی در نهادهای دیگر است و زندگی اجتماعی به عنوان یک اثر قائم به کل ماشین اجتماع پدید می آید، بدون افراد در کل جامعه و یا نهادها در شکل کلی جامعه هویت خود را از دست بدهند.

۳. جامعه مرکب حقیقی است از نوع مرکبات طبیعی، ولی ترکیب روح ها و اندیشه ها و عاطفه ها و خواستها و اراده ها و بالاخره ترکیب فرهنگی نه ترکیب تن ها و اندام ها... افراد انسان که هر کدام با سرمایه ای فطری و سرمایه ای اکتسابی از طبیعت، وارد زندگی اجتماعی می شوند، روحاً در یکدیگر ادغام می شوند و هویت روحی جدیدی که از آن به روح جمعی تعبیر می شوند می یابند. این ترکیب خود یک نوع ترکیب طبیعی مخصوص به خود است که برای آن شبیه و نظیری نمی توان یافت، این ترکیب از آن جهت که اجزاء در یکدیگر تأثیر و تأثر عینی دارند و موجب تغییر یکدیگر می گردند و اجزاء هویت جدیدی می یابند، ترکیب طبیعی و عینی است، اما

از آن جهت که کل و مرکب به عنوان یک واحد واقعی که کثرتها در او حل نشده باشد وجود ندارد، انسان الکل همان مجموع افراد است و وجود اعتباری و انتزاعی دارد.

۴. جامعه مرکب حقیقی است بالاتر از مرکبات طبیعی، در مرکبات طبیعی، اجزاء قبل از ترکیب از خود هویت و آثاری دارند. در اثر تأثیر و تأثر در یکدیگر و از یکدیگر، زمینه یک پدیده جدید پیدا می شود. اما افراد انسان در مرحله ای از وجود اجتماعی هیچ هویت انسانی ندارند، ظرف خالی می باشند که فقط استعداد پذیرش روح جمعی را دارند، انسان ها قطع نظر از وجود اجتماعی حیوان محض می باشند که تنها استعداد انسانیت را دارند و انسانیت انسان، یعنی احساس من انسانی، تفکر و اندیشه انسانی، عواطف انسانی و بالاخره آنچه از احساس ها، تمایلات، گرایشها، اندیشه ها، عواطف که به انسانیت مربوط می شود در پرتو روح جمعی پیدا می شود و این روح جمعی است که این ظرف خالی را پر می کند و این شخص را به صورت شخصیت در می آورد. روح جمعی همواره با انسان بوده و با آثار و تجلیات خود از اخلاق، مذهب، علم، فلسفه و هنر همیشه خواهد بود. تأثیر و تأثرها و فعل و انفعال های روحی و فرهنگی افراد در یکدیگر بواسطه روح جمعی پیدا می شود نه مقدم بر آن و در مرحله پیش از آن و در حقیقت، جامعه شناسی انسان مقدم بر روانشناسی اوست برخلاف نظریه قبل که برای انسان در مرحله قبل از وجود اجتماعی، روانشناسی قائل است، و جامعه شناسی او را در مرحله و مرتبه بعد از روانشناسی او می داند. مطابق این نظریه اگر انسان وجود اجتماعی نمی داشت و اگر جامعه شناسی نمی داشت روان انسانی فردی و روانشناسی فردی نداشت (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۹-۶). به طور کلی طرح این مسأله (اصالت فرد و جامعه) برای ایجاد نوعی فرض عملی است تا در پرتو آن به عنوان قاعده کلی، حکم اولیه در مسائل اجتماعی معلوم شود و همچنین در تعارض بین این دو، بتوان بدون دغدغه جانب اصیل را ترجیح داد. به حکم عقل و به طور تکوینی، برای تشکیل همه پدیده های مرکب، باید اول اجزای آن به وجود آید؛ سپس از ترکیب آنها، آن شی مرکب پدیدار شود. در موضوع جامعه انسانی و فرد هم تحقق همین اتفاق ضروری است. اجتماعات بشری بعد از خلقت انسان ها به وجود آمده اند. پس فرد به لحاظ زمانی بر جامعه مقدم است. اما آیا این تقدم زمانی باعث تقدم ذاتی و ارزشی بر جامعه می شود؟ در این راستا مرحوم شهید مطهری با طرح همین سوال در سلسله مباحث

جهان بینی اسلامی و در بخش مربوط به جامعه و تاریخ به پاسخ گویی آن پرداخته و به عنوان متفکری اسلامی، نظریه ای را در این موضوع با عنوان نظریه «اصالت دو گانه فرد و جامعه» مطرح کرده است (کاوینی، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۲)، که در این نظریه مرحوم مطهری بر اصالت هر دو و وابستگی شدید فرد و جامعه تأکید دارند.

۷-۱- ماهیت روحانی و جسمانی انسان: در آموزه های آسمانی اسلام، پس از مسأله خدا، انسان محوری ترین مسأله به شمار می آید و ضرورت شناخت انسان همواره مطرح گردیده به گونه ای که شناخت انسان مقدمه شناخت خداوند بیان می گردد. از این رو انسان از دو بعد یا حقیقت وجودی گوناگون و مستقل از یکدیگر تشکیل شده است که هرکدام آثار و خواص معینی دارند. این دو حقیقت، عبارتند از:

۱. جسم طبیعی، متشکل از عناصر، اجزا و اعضای مادی با فعل و انفعالات فیزیکی و شیمیایی؛

۲. بعد روحی و روانی، انتزاعی یافته از سلسله اعصاب با افعال خاص خود؛

روح و جسم، گرچه از لحاظ وجودی از یکدیگر مستقل، و دارای آثار و خواص متمایز و متفاوتی هستند، به دلیل ارتباط تنگاتنگ و بلکه وابستگی شدید به هم، در یکدیگر تأثیر و تأثر دارند و مکمل هم هستند؛ به طور مثال، تأثیر شدید روحی، جاری شدن اشک از غدد چشمی را همراه دارد و با خالی شدن معده، احساس گرسنگی به انسان دست می دهد (جعفری، ۱۳۴۴: ۱۵۹-۱۵۷). روح، خاصیت و اثر ماده نیست؛ کمالی است جوهری که از برای ماده پیدا می شود و به نوبه خود منشأ آثاری بیشتر و متنوع تر از آثار ماده می گردد (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۸، به نقل از ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۲). انسان از منظر تعالیم و حیانی موجودی است که ماهیت دوگانه دارد: از سویی ریشه در خیر و نیکی دارد و از سوی دیگر، با شرها و بدی ها همراه است. ماهیت انسان، از منظر تعالیم قرآنی ترکیبی است از غرایز و فطرت که از یک سو ریشه در ملک دارد و از سوی دیگر، در ملکوت (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۸-۲۳ به نقل از ابراهیمی، ستوده، شیخون، ۱۳۸۹: ۲۰).

۸-۱- اصالت فردی و اجتماعی انسان: در راستای اصالت فرد و جامعه، انسان با دو بُعد فردی و اجتماعی دارای اصالت بوده به گونه ای که سرشت انسانی در این راستا قابل تجلی می باشد. به طور کلی انسان دارای دو اصل بوده؛ از یک سو به عنوان فرد دارای ویژگی ها و تمایلاتی می باشد که در جهت ساختار وجودی انسان است از جمله قوه عاقله، قدرت تفکر،

توانایی نطق و تکلم، فطرت و گرایش های درونی دیگر(ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۶: ۵۱) از سویی دیگر قرار گرفتن در جامعه، انسان را به سمت سرشت جمعی آن حرکت میدهد؛ به طور کلی جمع این دو هویت انسان را شامل می گردد.

۹-۱- آزادی انسان و جوامع انسانی: بحث اراده و اختیار انسان یکی از جنجالی ترین و پیچیده ترین مباحث مذهبی است(سید هاشمی، موسوی خو، ۱۳۹۰: ۲)، که از زمان های کهن مورد بحث و گفتگوی فیلسوفان و الهی دانان بوده است. این مسأله دارای ابعاد گوناگون و پیچیده ای است که آن را از چهره مسأله ای واحد خارج کرده و به مجموعه ای از مسائل بدل کرده است(سعیدی مهر، مقدس، ۱۳۹۱: ۱۰). آزادی از اساسی ترین مسائل مربوط به انسان و حیات اجتماعی اوست که تحت عناوین متعددی تحت بحث و بررسی قرار گرفته است. انسان دارای شخصیتی مستقل، صاحب عقل و مختار است؛ در نگرش حکمای مسلمان آزادی انسان برای رسیدن او به سعادت ضروری است و این ضرورت ریشه در فطرت او دارد. در نگرش اسلامی آزادی در سه مرحله آزادی درونی(فکری و روحی)، آزادی بیرونی(آزادی در تحقق عینی اراده)، و آزادی اجتماعی(عدم تسلیم در برابر بتهای اجتماعی) تحقق می یابد. آزادی در معنای سوم، جعل و تکوین الهی است که غیر قابل واگذاری، انتقال و اعطا بوده و از بنیان های اساسی شکل گیری شخصیت و تکوین فرد و جامعه است(جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۵). به طور کلی با نگاهی به قرآن کریم، درمی یابیم که به نظر قرآن انسان موجودی مختار است. اصولاً آمدن پیامبران و نزول کتب آسمانی بی آنکه، انسان مختار باشد، کاری بیهوده است(بشیری، غروری، فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸: ۲۸).

۱۰-۱- امکان شناخت^۱: در حکمت و فلسفه اسلامی مسئله شناخت ذیل عناوینی همچون «علم و ادراک» و «عقل، عاقل و معقول» و مسائلی مربوط به وجود ذهنی و کیفیات نفسانی مطرح شده است. اهمیت مقوله شناخت سبب شده است تا برخی اندیشمندان مسلمان، به صورت نظام مندتری به این موضوع بپردازند. شهید مطهری درباره اهمیت شناخت و رویکرد مؤلفان به آن می گوید: مسئله شناخت امروز اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده است و کمتر مسئله ای به اندازه مسئله شناخت امروز مهم شناخته می شود(شجاعی، ۱۳۸۶: ۸۷). امکان معرفتی یا شناختی در مقابل امکان وقوعی است و مراد از آن این است که کاربرد این اصطلاح

¹ . Possibility of Recognition

هیچ گونه مانع معرفتی و ناسازگاری مبنایی در برنارد (یوسفی راد، ۱۳۹۱: ۹۳). در این راستا یکی از مبانی امکان شناخت، مکمل دیدن عقل و وحی برای یکدیگر است. در این جا عقل متکفل پی بردن به فهم ضرورت و ضروریات و علل و چرایی و غایات و خاستگاه سیاست و پدیده های سیاسی و فهم و جایگاه وجودی آنها و دین و وحی معرف مبانی و ذوات اشیاء است و چون دین جامع است، در تمام ابعاد حیات فردی و اجتماعی معارف و احکام و تکالیفی دارد و نظامی از مفاهیم را تولید می کند. بنابراین مجموع عقل و وحی به معرفی حقایق و ماهیات پدیده های سیاسی و سیاست می پردازد. مبنای دیگر، داشتن نگاه جامع و حداکثری به دین است. که اقوال مختلفی بر این مبنا استوار شده است. یکی دیگر از مبانی قول به امکان شناخت، اعتقاد به انحصار منبع معرفت به وحی است. و از دیگر ادله ای که می توان برای امکان شناخت ارائه نمود، امکان اخذ حقایق از منبع وحی و برهانی نمودن آن با عقل بشری است (یوسفی راد، بی تا: ۶۱-۵۸).

۱۱-۱- تکثر متعلقات مادی و غیر مادی شناخت: بعد از بیان امکان شناخت در نظریه اسلامی روابط بین الملل به عنوان یکی از مفاهیم فلسفی حاکم بر این نظریه، باید به این امر اشاره نمود که متعلقات شناخت متکثر بوده و شامل جمعی از متعلقات مادی و غیر مادی می باشد. در این راستا می توان از وحی، عقل، ادراکات باطنی انسان به عنوان متعلقات غیر مادی، و از سیره و سنت به عنوان یکی از متعلقات مادی شناخت نام برد.

۱۲-۱- تکثر مراتب و منابع شناخت: مراد از منابع، خاصه قرآن و سنت است. در این منابع آموزه هایی یافت می شود که ناظر بر حیات جمعی و روابط سیاسی - اجتماعی و ناظر به سیاست و پدیده های سیاسی است (همان: ۵۳). هر چند در دنیای اسلام دانش معرفت شناسی در کنار سایر دانش های اسلامی به عنوان یک علم مستقل وجود نداشته است، و بابت تحت عنوان «نظریه المعرفه» یعنی «نظریه شناخت» وجود ندارد، اما بسیاری از مباحث این علم در دامن سایر علوم اسلامی مانند: منطق، فلسفه، کلام و عرفان مطرح شده است (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۱۰) که در نظریه اسلامی روابط بین الملل توجه ویژه ای به این علوم گردیده است.

شناخت و معرفت دارای مراتبی می باشد و گونه هایی دارد: اگر معرفت، از آن جهت که معرفت است (معرفت مطلق) موضوع این علم قرار گیرد و احکام آن مورد بررسی واقع شود در این صورت «معرفت شناسی عام» (معرفت شناسی مطلق) پدید می آید ولی اگر معرفت از جهت اینکه ویژگی و متعلق خاصی دارد، مورد بررسی قرار گیرد (معرفت مضاف) در این صورت از آن

تعبیر به «معرفت شناسی خاص» (معرفت شناسی مضاف) می‌شود نظیر معرفت شناسی دینی. که در نظریه اسلامی روابط بین الملل نوع معرفت شناسی به صورت خاص می‌باشد (مصباح، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

۱۳-۱- تکثر معیارهای اعتبار و داوری: موضوع معرفت شناسی عبارت است از «علم و شناخت» البته مقصود مطلق علم و آگاهی است به این معنا که معرفت شناسی از شناخت‌های بشری که شامل تصور، تصدیق، علم حضوری، علم حصولی و مانند آن می‌شود بحث می‌کند (جبرئیلی، ۱۳۷۶: ۲۳۵). درباره اینکه منظور از علم و معرفت چیست بین معرفت شناسان اسلامی و غربی اختلاف نظر وجود دارد، مراد از آن نزد حکماء اسلامی «مطلق علم و آگاهی» است که البته دارای مراتبی است و بالاترین درجه آن «یقین» می‌باشد ولی مقصود معرفت شناسان معاصر غربی از معرفت، علم و آگاهی است که آن را به «باور صادق موجه» تفسیر می‌کنند. طبق نظر نخست، معرفت اعم از مفاهیم (تصورات) و گزاره‌ها (تصدیقات و قضایا) است ولی طبق نظر دوم معرفت فقط شامل گزاره‌ها می‌شود (موسوی مبلغ، ۱۳۷۸). طبق تعریفی که از معرفت شناسی صورت گرفت معیارهای مختلفی برای داوری وجود دارد که مهم‌ترین آن در نظریه اسلامی روابط بین الملل وحی و عقل است.

۱۴-۱- تکثر روش‌های شناخت: از دیرباز این سؤال مطرح است که آیا همه شناخت‌های انسان از طریق تجربه و حواس ظاهری به دست می‌آیند و اکتسابی هستند یا انسان دارای یکسری معلومات فطری - یعنی معلومات غیراکتسابی - نیز هست که تجربه و یادگیری در آنها نقش چندانی ندارد؟ به طور کلی، دو دیدگاه عمده در این زمینه وجود دارد. ابتدا این دو دیدگاه در آراء و اندیشه‌های فلاسفه از دوران یونان باستان به چشم می‌خورد، که سپس به رهیافت‌های روان‌شناختی و دینی نیز رخنه نمود؛ این دو دیدگاه عبارتند از: ۱. نظریه فطرت‌گرایی ۲. نظریه تجربه‌گرایی (شجاعی، ۱۳۸۶: ۸۴). در معرفت شناسی اسلامی بر روش عقلی و شهودات درونی تأکید می‌شود؛ از سویی به روش عقلی توجه می‌شود؛ زیرا روشن شدن مباحث آن نیازمند به تجزیه و تحلیل‌های عقلی است، و نیز با شهودات درونی به بررسی مسائل آن پرداخته می‌شود. مقصود از شهودات درونی این است که در معرفت شناسی به ویژه در معرفت شناسی اسلامی تأکید بسیاری بر علوم حضوری و وجدانیات می‌شود تا آن جا که علم حضوری پایه و مبنای بسیاری از علوم می‌تواند قرار بگیرد. این علم حضوری در اصل از تجربه

درونی و شهودات وجدانی به دست می آید. بنابراین در معرفت شناسی به شهودات درونی سخت محتاجیم (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

۲. تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی نظریه اسلامی

روابط بین الملل

با توجه به اینکه هر کدام از رویکردهای موجود در نظریه پردازي روابط بین الملل دارای مبانی فرانظری متفاوتی نسبت به یکدیگر هستند و تفسیرهای متفاوتی از ماهیت روابط بین الملل ارائه می دهند، رویکرد اسلامی به روابط بین الملل هم از این قاعده مستثنی نیست و با توجه به مبانی فرانظری خود تفسیر ویژه ای از ماهیت روابط بین الملل ارائه می دهد (ابراهیمی، ستوده، شیخون، ۱۳۸۹: ۶). در این قسمت با توجه به مفاهیم و مفروضه های ارائه شده در بخش نخست، در پی تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و مبانی و مفروضه های ارائه شده می باشیم. این بخش از پژوهش به چهار قسم تقسیم می شود که عبارتند از: الگو و فرآیند تصمیم گیری؛ منافع و اهداف ملی؛ منابع سیاست خارجی و رفتار سیاست خارجی.

۱-۲- الگو و فرآیند تصمیم گیری^۱: الگو و ساختار تصمیم گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از طیفی از نهادهای تصمیم گیرنده است. که شامل نهاد رهبری، قوه مقننه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، قوه قضائیه، نیروهای مسلح بویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران می باشد. در این راستا با توجه به مفروضه اصالت واقع در نظریه اسلامی روابط بین الملل که مطرح گردید، نهادهای تصمیم گیرنده در روند سیاست خارجی ایران در راستای پیشبرد منافع ملی ایران نیازمند وحدت ساختاری هستند به گونه ای که نظم و وحدت که به عنوان یکی از نکات مهم در بررسی اصل جوهرگرایی در نظریه اسلامی روابط بین الملل بوده نمودار می گردد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای اصل عدالت در فرآیند تصمیم گیری به دنبال حمایت از جنبش ها و نهضت های آزادی بخش است. به گونه ای که مهمترین منتقد نظم جهانی کنونی می باشد. در این راستا تلاش در جهت هم سوئی با کشورهای در حال

¹ . Model and decision-making process

توسعه و طرح همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، هم سو با اصل عدالت محوری و برقراری نظم جهانی عادلانه می باشد.

باید به این نکته اشاره نمود که با وجود اینکه نهادهای متعدد سیاست گذاری و تصمیم گیری در ایران حاکم بوده، با تأکید این نهادها بر منافع ملی و واقع گرایی سیاسی در فرآیند سیاست خارجی و روابط خارجی به نظر می رسد بتوان از سیاست ها و تصمیم های متعارض و متناقض در روند سیاست گذاری خارجی جلوگیری نمود.

۲-۲- منافع و اهداف ملی^۱: سیاست خارجی همه کشورها با محیط^۲ در تعامل است. اهداف، توانایی ها، استراتژی ها، ابزارها، فنون، تاکتیک ها، سبک و دستگاه سیاست خارجی، همچنین تصمیمات، اقدامات و پیامدهای سیاست خارجی همگی در این تعامل نقش دارند(رمضانی، ۱۳۹۲: ۴۱).

عمده ترین موضوعی که در تعامل با محیط توسط کشورها در سیاست خارجی دنبال می گردد بحث منافع ملی است. نظریه واقعگرایی به عنوان نظریه غالب در روابط بین الملل تأکید خاصی بر روی مفهوم منافع ملی دارد. به گونه ای که در نظریه اسلامی روابط بین الملل نیز مفروض اصالت واقع با تأکید بر دو مفهوم منافع ملی و اخلاق گرایی بین المللی به دنبال تحقق و پیگیری منافع ملی و داخلی در محیط آنارشیک بین المللی می باشد. در این راستا با توجه به اصل عدالت و توحید اصولی مثل نفی سلطه گری و سلطه پذیری؛ ظلم ستیزی، عدالت خواهی و استکبار ستیزی؛ حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش، حمایت و دفاع از مسلمانان؛ همزیستی مسالمت آمیز و صلح طلبی؛ عدم مداخله در امور داخلی کشورها؛ تعهد به قراردادهای و قوانین بین المللی را سرلوحه خود قرار داده است. (Salehzadeh, 2013:19)

منافع ملی می تواند در همه جا مصادیقی بیابد، اما در عین حال نیز باید از مصادیق خود استقلال داشته باشد و هیچگاه نباید به این یا آن ارزش، مفهوم و یا دستاورد منحصر شود (طاهایی، ۱۳۸۷: ۴۳). در این راستا به طور کلی در صحنه بین المللی، برای جمهوری اسلامی ایران سه هدف زیر اهمیت دارد که در راستای سه مفهوم و پیش فرض؛ اصالت واقع، اصل عدالت و اصل توحید می باشد:

1. Interests and national goals

2. Environment

۱. **تشکیل حکومت شیعه:** ایجاد حکومتی شیعی در ایران که به طور طبیعی یک حکومت دینی، بومی و منحصر به فرد خواهد بود، یعنی هیچ کشور دیگری به دنبال این حکومت نیست.

۲. **دفاع از مسلمانان:** حلقه دوم سیاست خارجی، حمایت از جهان اسلام و نهضت های آزادیبخش اسلامی است که این خود نوعی هدف جهت گیری برای سیاست خارجی کشور به شمار می رود.

۳. **مبارزه با استکبار:** هدف کلی سیاست خارجی ایران، مبارزه با استکبار، امپریالیسم یا قدرت های بزرگ است که شامل حال کشور اسرائیل هم می شود (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۶۷).

براساس اصل واقع گرایی یا اصالت واقع، اهداف ملی ایران که در سیاست خارجی نمودار می گردد طیفی از اهداف امنیتی- حیاتی، اقتصادی، کسب جایگاه و اعتبار بین المللی و توانمند سازی ملی را شامل می شود. حفظ کیان اسلام؛ صدور انقلاب اسلامی ایران؛ وحدت جهان اسلام؛ تشکیل جامعه جهانی اسلامی و حرکت به سمت امت واحده در راستای چهار اصل جوهرگرایی، علیت، عدالت و توحید می باشد. کما اینکه حرکت به سمت تشکیل جامعه جهانی و وحدت جهان اسلام نمودار اصل جوهرگرایی و عدالت محوری بوده و تلاش در جهت حفظ کیان اسلام و صدور انقلاب اسلامی ایران نمودار اصل توحید و علیت می باشد؛ چرا که تلاش در جهت حفظ کیان اسلام، تلاش در جهت یگانه نمودن اندیشه توحیدی و تلاش در جهت صدور انقلاب اسلامی ایران علت رفتار سیاست خارجی ایران در جهت تشکیل جامعه جهانی اسلامی می باشد، که با توجه به تحولات مربوط به جهانی شدن و روندهای گریز از مرکز در دنیای اسلام، زمینه های وحدت، اتحاد و ائتلاف به طور فزاینده ای رو به کاهش بوده است (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۱۱۱) به گونه ای که صدور انقلاب اسلامی ایران و تلاش در راستای شکل گیری وحدت اسلامی مهم ترین علت رفتاری جمهوری اسلامی ایران برای افزایش وحدت، اتحاد و ائتلاف در دنیای اسلام است.

۳-۲- **منابع سیاست خارجی^۱:** مهم ترین سؤال که در اینجا طرح می گردد این است که چرا سیاست خارجی کشورها با تداوم و یا تغییر روبرو است؟ چه عواملی باعث استمرار و یا تغییر

^۱. Sources of Foreign Policy

سیاست خارجی می گردند؟ در راستای پاسخ به این نوع از پرسش ها به نظر می رسد که بتوان چرایی رفتار خارجی کشورها را تحلیل نمود. براساس اصل علیت، علت تغییر و تحول در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متأثر از عوامل و نیروهایی است که در پنج گروه کلی و عام قرار می گیرند که عبارتند از: منابع خارجی یا بین المللی، منابع ملی، منابع حکومتی، منابع نقش گرایانه و منابع شخصیتی و فردی در قالب خصوصیات نخبگان، رهبران و سیاست گذاران خارجی. هر دسته از این منابع خود تعداد زیادی از متغیرها را در بر می گیرند که به همراه سایر متغیرها در دسته های دیگر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل می دهند.

اگرچه هر یک از این منابع عامل تأثیرگذار مستقلی بر سیاست خارجی است ولی به تنهایی قادر نیست رفتار و جهت آن را تعیین کند، بلکه سیاست خارجی به صورت چند متغیره، توسط مجموعه این منابع شکل می گیرد. میزان تأثیرگذاری هر دسته از منابع نیز ثابت نبوده و تابع شرایط زمانی، مکانی و حوزه های موضوعی مختلف هستند. همچنین، منابع و متغیرهایی که ثبات بیشتری دارند موجب استمرار سیاست خارجی جمهوری اسلامی شده و عوامل متغیر و متحول نیز باعث تغییر و تحول آن می گردند. بدین ترتیب عناصر بادوامی چون وضعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی و فرهنگ سیاسی تداوم در سیاست خارجی را ایجاب می کنند. در مقابل متغیرهای فردی و بین المللی که حالت پویا دارند موجبات تغییر در سیاست خارجی را فراهم می سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۶۸).

۴-۲- رفتار سیاست خارجی^۱: تحلیل رفتار دولت ها در عرصه بین المللی، یکی از مباحث اصلی علوم سیاسی و روابط بین الملل است. دانشوران این رشته ها تلاش دارند علل و عوامل مؤثر در رفتار و سیاست های متفاوت یا مشابه دولت ها را در عرصه بین المللی درک کنند. سیاست خارجی کشورها نشان دهنده اهدافی است که دولت ها در عرصه خارجی در پی دست یابی به آن هستند. اهداف و منافع ملی کشورها در فرآیند تصمیم گیری و براساس ارزش ها و باورهای ملی و درک تصمیم گیرندگان از آنها در تعیین ابزارها و امکانات برای تأمین آنها مدنظر قرار می گیرد. بررسی سیاست خارجی و روند تصمیم گیری کشورها در پی شناخت دقیق تر مقاصد و راهبرد دولت ها در عرصه بین المللی است تا تحلیل دقیق تری از رفتار و سیاست خارجی آنها به دست دهد (یزدان فام، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹).

¹. Conduct of foreign policy

پروفسور روح‌الله رضانی، ریشه‌های سیاست خارجی ایران را در حس شدید استقلال طلبی و فرهنگ مقاومت در برابر زور و سلطه بیان می‌کند (رضانی، ۱۳۸۸: ۱۴)، که در راستای اصل عدالت محوری در رفتار سیاست خارجی ایران نمودار است.

به طور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخوردار بودن از جایگاه راهبردی در منطقه، به عنوان یک قدرت منطقه ای به رسمیت شناخته شده است (Dehshiri, 2009:101) که با وقوع انقلاب اسلامی ایران و تغییر در اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره رفتار خارجی کشور برگرفته از اصولی چون عدالت محوری، نگرش توحیدی، واقع گرایی اسلامی، نگاه علیت گرایانه در سیاست بین الملل، حفظ اصالت آحاد جوامع انسانی و بیان ضرورت رعایت اصالت افراد و جوامع انسانی بوده است. به گونه ای که در بسیاری از تحقیقاتی که تاکنون در زمینه رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته ضرورت بازنگری اساسی و جدی در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک الگوی حکومت اسلامی بیان شده چرا که به عنوان یک منبع مشاجره در منطقه و جهان به حساب می آید (Andersson, 2009:1)؛ چرا که با اصول مطرح شده در روند بررسی سیاست خارجی ایران نیاز به بازنگری، ضروری می باشد.

نتیجه گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و تشکیل حکومتی اسلامی مبتنی بر حاکمیت اصول و مبانی اسلام بر عرصه ی زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شاهد الگوی رفتاری متفاوتی از جمهوری اسلامی ایران نسبت به الگوی رفتاری مورد قبول در سیاست بین الملل هستیم؛ در این راستا نظریه های مختلف روابط بین الملل از جمله رئالیسم، لیبرالیسم و نظام جهانی به عنوان نظریات مسلط در روابط بین الملل در زمان پیروزی انقلاب اسلامی سعی در تبیین و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمودند؛ اما به دلیل همگام نبودن اصول و مفاهیم حاکم بر این نظریه ها با ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، این نظریات موفق به تحلیل درستی از نحوه ی عملکرد سیاست خارجی ایران نشده اند. هر کدام از نظریات مطرح در روابط بین الملل از دیدگاه خاصی به جهان نگاه می کنند که با جهان بینی جمهوری اسلامی ایران متفاوت است. برخی فقط به نقش عوامل مادی مانند قدرت نظامی و سخت افزاری توجه می کنند برخی از این نظریات به نقش عوامل اقتصادی و مادی در تحلیل

سیاست خارجی کشورها توجه دارند و برخی نیز نه تنها نقش دین در سیاست را قبول ندارند بلکه آن را عامل عقب ماندگی کشورها می دانند. این نظریات از توجه به نقش عوامل غیرمادی مانند دین و فرهنگ غفلت می کنند و برخی نیز مانند سازه انگاری اگر چه در ظاهر برای رفع خلاءهای فوق به نقش عوامل غیرمادی در سیاست خارجی توجه می کنند ولی قادر به تبیین و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیستند زیرا مبانی تفکر آنها غربی و مبانی فکری و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه های اسلامی است.

لذا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نمی توان به راحتی با نظریه های غربی یا شرقی رایج در روابط بین الملل مورد بررسی و تحلیل قرار داد. هر کدام از این نظریات در بهترین حالت فقط قادر خواهند بود، تنها بخشی از سیاست خارجی ایران را تبیین و تحلیل کنند و هیچکدام از آنها از پتانسیل علمی لازم برای ارائه تحلیلی جامع از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار نیستند. این امر نیاز به تولید نظریه ای ایرانی-اسلامی، مبتنی بر الگویی بومی در روابط بین الملل دارد. نظریه ای که قادر باشد این سیاست خارجی ویژه و منحصر به فرد، مبتنی بر اصول و آموزه های اسلامی را در روابط بین الملل تجزیه و تحلیل نماید. در این پژوهش نگارندگان تلاش نمودند تا با استخراج مفاهیم ۱۴ گانه و مفروضه های اصلی نظریه اسلامی روابط بین الملل و تطبیق آن با ۴ اصل الگو و فرایند تصمیم گیری، منافع و اهداف ملی، منابع سیاست خارجی و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی به تبیین و تطبیق اصول مذکور بپردازند و گامی کوچک در ارائه تحلیلی مبتنی بر نظریه اسلامی روابط بین الملل از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی، بابک (۱۳۸۷). **کتاب تردید**، تهران: نشر مرکز، چاپ هفتم.
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۷۸). «تنش زدایی در سیاست خارجی، مورد: جمهوری اسلامی ایران»، **مجله سیاست خارجی**، زمستان، شماره ۴، سال سیزدهم، صص ۱۰۴۷-۱۰۳۵.
- امینی، محمد امین (۱۳۹۰). «اصل همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان در اسلام»، **ماهنامه معرفت**، شهریور، شماره ۱۶۵، سال بیستم، ۵۲-۳۵.
- ابراهیمی، شهروز، ستوده، علی اصغر، شیخون، احسان (۱۳۸۹). «رویکرد اسلامی به روابط بین الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی»، **فصلنامه دانش سیاسی**، پاییز و زمستان، شماره دوم، سال ششم، صص ۴۲-۵.
- ابراهیم زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۶). «انسان در نگاه اسلام و اومانیسیم»، **مجله قبستان**، صص ۷۰-۵۱.
- ابن تراب، مریم (۱۳۸۵). «اصل عدالت اجتماعی در سیستم قانونگذاری اسلامی»، **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: پروتال جامع علوم انسانی**، صص ۲۷-۱.
- اژه ای، جواد (۱۳۸۵). «انسان قرآن از دیدگاه فردی و اجتماعی»، **مجله روان شناسی و علوم تربیتی ویژه فلسفه تعلیم و تربیت**، شماره ۳ و ۴، صص ۲۳-۱.
- اسماعیل یحیی، عثمان (۱۳۸۹). «جایگاه توحید در دین اسلام»، **میثاق امین**، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، پاییز، شماره ۱۶، صص ۶۱-۴۱.
- بشیری، ابوالقاسم، غروری، سید محمد، فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۸). «بررسی مفروضه های اساسی درباره ماهیت انسان از دیدگاه روان شناسی و اسلام»، **روان شناسی و دین**، بهار، شماره پنجم، سال دوم، صص ۴۷-۷.
- تسخیری، محمد علی (۱۳۸۴). «اسلام و روابط بین الملل»، **گلستان قرآن**، نیمه اول فروردین، شماره دو، صص ۱۷-۱۴.
- جبرئیلی، محمد صفر (۱۳۷۶). «کلیات و کتابشناسی شناخت»، **نامه مفید**، بهار، شماره ۹، صص ۲۴۶-۲۲۷.

- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۰). «آزادی و اختیار انسان با تکیه بر دیدگاه حکمای مسلمان». **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، زمستان، شماره ۵۴، صص ۷۶-۵۵.
- خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). «نظریه المعرفة»، **فصلنامه ذهن**، پاییز، شماره ۳، سال اول.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). «امنیت هستی شناختی در سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه بین المللی روابط خارجی**، شماره اول، سال اول، صص ۷۶-۴۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). «الگوی نظم جهانی در نظریه اسلامی بین الملل»، **فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل**، دوره نخست، شماره سوم، صص ۴۷-۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹ الف). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر سمت، چاپ سوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹ ب). «مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین الملل»، **فصلنامه بین المللی روابط خارجی**، شماره ششم، سال دوم، صص ۹۶-۴۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹ ج). «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین الملل»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره دوم، سال پنجم، صص ۱۴۲-۱۱۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰). «نظریه اسلامی سیاست خارجی: چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه بین المللی روابط خارجی**، شماره اول، سال سوم، صص ۴۷-۷.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸). «آرمان گرایی و واقع گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، **فصلنامه سیاست خارجی**، تابستان، شماره ۲، سال سیزدهم، صص ۳۵۶-۳۲۹.
- رمضانی، روح الله (۱۳۸۸). «درک سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه بین المللی روابط خارجی**، شماره اول، سال اول، صص ۲۰-۱۱.
- رمضانی، روح الله (۱۳۹۲). **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹). «رابطه فرد و جامعه: مقایسه دو دیدگاه»، **مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، بهار، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۱۹-۵.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۹). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۱). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: نقد نظری و طرح ائتلاف»، **مجلس و پژوهش**، مهر، شماره ۳۵، سال ۹، صص ۸۲-۶۵.

سعیدی مهر، محمد، مقدس، سعید (۱۳۹۱). «بررسی نظریه علامه طباطبائی در باب سازگاری ضرورت علی و اختیار انسان»، **حکمت معاصر**، پاییز و زمستان، شماره دوم، سال سوم، صص ۹۹-۱۲۳. سید هاشمی، سید محمد اسماعیل و موسوی خو، سید صفی اله (۱۳۹۰) «اراده الهی و نسبت آن با اختیار انسان از دیدگاه امام خمینی (ره)»، **فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت**، زمستان، صص ۱-۲۱.

شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۶). «شناخت از منظر فلسفه، روان شناسی و اسلام»، **ماهنامه معرفت**، آبان، شماره ۱۱۹، صص ۱۰۰-۸۱.

طاهایی، سید جواد (۱۳۸۷). **درآمدی بر مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.

طاهری سرتشنیزی، اسحاق، عزیز خانی، احمد (۱۳۹۰). «انسان شناسی پست مدرن و نقد آن از منظر آموزه های دینی»، **انسان پژوهی دینی**، بهار و تابستان، شماره ۲۵، سال هشتم، صص ۳۵-۵۷. علی اکبر (۱۳۹۰). «مبانی و اصول روابط بین الملل در اسلام»، **فصلنامه پژوهشهای روابط بین الملل**، پاییز، دوره نخست، شماره یکم، صص ۳۸-۱۱.

کاویانی، محمد هادی (۱۳۹۱). «قاعده لاضرر و تعارضات فرد و اجتماع در جامعه»، **مجله پژوهش های فقهی**، بهار و تابستان، دوره هشتم، شماره اول، صص ۱۰۴-۷۱.

قربانی، قدرت الله (۱۳۸۶). «علیت از منظر تجربه گرایان غربی و نقد آن از دیدگاه حکمت متعالیه»، **فصلنامه اندیشه نوین دینی**، تابستان، شماره نهم، سال سوم، صص ۱۹۷-۱۶۱.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹). **روابط بین الملل، نظریه ها و رویکردها**، تهران، نشر سمت: چاپ چهارم. ماحورزی، رضا (۱۳۹۱). «تحلیلی بر مفهوم جوهر به مثابه ((اساس)) جزئی های انضمامی»، **فصلنامه فلسفه و کلام**، پاییز، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱-۲۲.

مصباح، مجتبی (۱۳۸۶). «درآمدی بر احتمال معرفت شناختی»، **معرفت فلسفی**، بهار، شماره سوم، سال چهارم، صص ۱۶۶-۱۲۷.

مغربی، محمد (بی تا). «اصل علیت در اندیشه فلاسفه اسلامی». **فروغ اندیشه**، شماره های ۲ و ۳، صص ۷۶-۸۶.

موسوی مبلغ، سید محمد حسین (۱۳۷۸). «شناخت در قرآن از نگاه شهید مطهری»، **پژوهش های قرآنی (ویژه شهید مطهری)**، شماره ۱۷-۱۸، بهار و تابستان.

نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۰). «مسأله یابی جایگاه دین در روابط بین الملل»، **فصلنامه علوم سیاسی**، زمستان، شماره پنجاه و ششم، سال چهاردهم، صص ۱-۳۹.

یزدان فام، محمود (۱۳۹۲). بررسی متون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
یوسفی راد، مرتضی (۱۳۹۱). «فلسفه‌ی سیاسی اسلام: امکان یا امتناع»، علوم سیاسی، بهار، شماره پنجاه و هفتم، سال پانزدهم، ۸۷-۱۰۸.

ب) منابع انگلیسی

- Andersson, Jonas (2009). "Is Iran an Islamic State? A comparison between the Islamic Shia Islamic Theory of State and Ayatollah Khomeini's Islamic Republic of Iran", **JÖ N K Ö P I N G international business school (JÖN KÖPING UNIVERSITY)**, June, Pp 1- 58.
- Dehshiri. M. R & M.R. Majidi (2009) "Iran's Foreign Policy in Post-Revolution Era: A Holistic Approach", **The Iranian Journal of International Affairs**, Vol. XXI, No.1-2: Winter-Spring, Pp101- 114.
- Salehzadeh, Allan (2013). "IRAN'S DOMESTIC AND FOREIGN POLICIES", **National Defence University, Department of Strategic and Defence Studies**, Pp. 1- 42.

